

در موردی دیگر بولارد خطاب به نخست‌وزیر سهیلی درباره اهمال

کاری متصدی ایرانی سانسور می‌نویسد:

«سفارت انگلیس در تهران

۲۳ فروردین ۱۳۲۱، شماره ۱۰۷۳.

آقای نخست وزیر عزیزم

آن جناب به‌خاطر دارید که روزنامه‌نگار انگلیسی و خارجی دیگر شکایت داده‌ام که قسمت سانسور ایرانی مطبوعات دول سه‌گانه رضایت‌بخش نمی‌باشد، در دفعه اول وعده فرمودید که یک نفر مأمور کارآزموده را متصدی سانسور قرار دهید که بتواند بدون مراجعه به مقام مافوق فوراً تصمیم اتخاذ نماید و رفع این شکایت را که اخبار روزنامه‌ها

پاورقی

«**دبلیو بولارد**» **مأمور سفارت انگلستان در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۲۱ خطاب به نخست‌وزیر وقت ایران می‌نویسد: «... با وجود این که متصدیان سانسور انگلیسی و روسی همیشه در موافق معینه حضور دارند متصدی سانسور ایرانی اغلب غایب است و تا این که مشارالیه را حتی پیدا کنند، چندین ساعت از وقت تلف می‌گردد»**»

پیمائپنهان
۲۰۲۲
دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان
خادمان سلطه

نقش انگلستان در سانسور مطبوعات عصر پهلوی

در یکی از سرمقاله‌های روزنامه نوبهار تحت عنوان کمدی حکومت نظامی نوشته است:

«... اگر دولت از جراید می‌ترسد، می‌بورد است. دولت روزنامه‌ای باقی نگذاشته است که از آن بترسد و حمله و هتاک‌ی و فحاشی و دروغ غالباً در جرایدی دیده می‌شود که منتسب به صف آزادخواه و مطبوعات ملی نیستند و همه آن‌ها از طرفداران دولت و مداحان دربار و شاه سابق هستند و دولت از ناحیه این دسته است از روزنامه‌ها هرگز نگرانی نداشته و نخواهد داشت و اگر دولت از چند روزنامه دیگر می‌ترسد باید مطمئن باشد که این جراید عادت ندارند اسباب نگرانی دولت را فراهم آورند...»

البته ناقصته نماند که مطبوعات خود در بقا و دوام این دیکتاتوری نقش بسزایی داشتند. مطبوعات شهرویر ۱۳۲۰ به بعد، بنابر تفکر مدیران یا وابستگی به احزاب و گروه‌ها یا تحت تأثیر جریان‌های مختلف از خود واکنش‌های متفاوتی نسبت به دیکتاتوری نشان می‌دادند. در ایسن بین،ابتدا جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری عوامل دیکتاتوری را وادار به عقب‌نشینی کرد اما تمهیدات دولت‌های دیکتاتور و حاکمیان آن‌ها نیز برای درهم شکستن

قدرت این جبهه که با سیاست و خشونت تمام بود، موفق‌تر عمل کرد و این تمهیدات سرانجام منجر به ضعف و کم اثری مطبوعات شد. سازشکاری گروهی از مدیران جبهه نیز که منتسب به قوام و حزب او یعنی حزب دم‌کسرات ایران بودند و تغییر روش گروه دیگری از اعضای این جبهه مانند فری‌مدر، مدیر روزنامه صدای مردم و عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام به طمع کسب مقام و ثروت که به آن‌ها وعده داده شده بود، فرصت مناسبی را در اختیار دولت‌های دیکتاتوری گذاشت تا مطبوعات را در برابر سانسور و توقیف حکومت تضعیف کنند. به این ترتیب، به تدریج جبهه‌های مستقل و آزاداندیش از عرصه مبارزه علیه دیکتاتوری کنار رفتند و بقیه مطبوعاتی که ماندند، به هواداری از دربار برخاستند و تا آن‌جا پیش رفتند که در دو حرکت سیاسی به‌طور آشکار به حمایت دربار پرداختند. آن‌ها نخست از نخست‌وزیر، عبدالحمین هژیر که وابستگی‌اش به دربار روشن‌تر از روز بود، حمایت جانانه‌ای کردند و در جایی دیگر وقتی صحنه ترو ساختگی محمدرضا پهلوی توسط ناصر فخرآزایی^(۳۱) اجرا شد، در مقابل این حرکت مزورانه سکوت کردند.

... خبر سپس از طریق بیت‌العدل به کمپلای افریقا ابلاغ تا اجرا و نتایج آن به اطلاع «دکتر براند اسکات» برسد.

(سند ۲۱۹۱)

همچنین سند دیگری حاکی است که:

«... کلیه بهائیان که در نیروهای مسلح شاهنشاهی خدمت می‌نمایند زیر نظر داشته، و فوراً آمار کلیه افراد نظامی ارتش، از سرباز تا امرأه، طی یک یادداشت، به حضیرت‌القدس تهران ارسال تا به بیت‌العدل و به مراجع تقلید لندن و «براند اسکات» در آمریکا ارسال گردد، و آقای براند اسکات آمار مورد نظر را خواسته (است)»

تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد- بخش یابانی

جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر در سال ۱۳۴۹ بهائیان را جاسوس اسرائیل در جهان معرفی کرد. دفتر دبیر کل «لیگه‌العالم الاسلامی» در اسفند ۱۳۵۲ در مکه، طی اعلامیه‌ای توصیه «دفتر تحریم معامله با اسرائیل» را مبنی بر تحریم معامله با درگاه بهائیت در کشورهای عربی و قلمداد کردن نام فرقه مزبور، «در لیست سیاه» به علت روابط ویژه با اسرائیل را تأیید و از کشورهای مسلمان خواست تا فعالیت‌های مخرب این فرقه را در کشورهای خود تحریم کنند.

که در سال ۱۳۴۴ اسرائیل بکصد و چهل هزار متر مربع زمین در فلسطین به هویدا نخست‌وزیر بهایی و انگاز کرد.

متحل و تشکیل مجدد آن ممنوع شد. حمایت مالی بهائیان از اسرائیل- خصوصاً در مورد ارتش نفت- به قدری مورد توجه و حمایت اسرائیل بود که در سال ۱۳۴۴ اسرائیل بکصد و چهل هزار متر مربع زمین در فلسطین به هویدا نخست‌وزیر بهایی و انگاز کرد.

متحل و تشکیل مجدد آن ممنوع شد. حمایت مالی بهائیان از اسرائیل- خصوصاً در مورد ارتش نفت- به قدری مورد توجه و حمایت اسرائیل بود که در سال ۱۳۴۴ اسرائیل بکصد و چهل هزار متر مربع زمین در فلسطین به هویدا نخست‌وزیر بهایی و انگاز کرد.

در سال ۱۳۴۷، در یکی از کمیسیونهای فرقه مزبور، سخنگوی کمیسیون پس از ابراز خرسندی از پیروزی اسرائیل در جنگ‌های با اعراب گفت: «پیشرفت و ترقی ما بهائیان این است که در هر اداره ایران و تمام وزارتخانه‌ها

متحل و تشکیل مجدد آن ممنوع شد. حمایت مالی بهائیان از اسرائیل- خصوصاً در مورد ارتش نفت- به قدری مورد توجه و حمایت اسرائیل بود که در سال ۱۳۴۴ اسرائیل بکصد و چهل هزار متر مربع زمین در فلسطین به هویدا نخست‌وزیر بهایی و انگاز کرد.

بهاییان شاسفل در مناصب بالای دولتی و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به آنان با روشهای خاصی در کلیه سیاست‌گذارها و انعقاد قراردادهای اعمال نفوذ می‌کردند و با دادن هدایای زیاد به مناسبت‌های مختلف سعی در نزدیک شدن به مقامات بالای رژیم شاه را داشتند. در جلسات علنی و غیر علنی سعی می‌کردند با ابراز تمقل، چاپلوسی و اعلام سرسپردگی نسبت به شاه، قوانین و مقررات کشور را نقض و منافع و مصالح کشور را زیر پا بگذارند.

«برای این بهائیان اسمی و نامی شده‌اند که، مثل زنجیر به هم پیوند دارند، و بهترین پستهای مملکتی به عهده آنها می‌باشد. ایران برای ما بهائیان بسیار خوب شده است. سرمایه‌داران ما (بهائیان) و آمریکا و اسرائیل در ایران رشد نموده‌اند، سودی که می‌برند در صندوق خیریه ریخته می‌شود.»

(سند ۲۱۸۸)

با همکاری مشترک رژیم شاه و دولت‌های بزرگ غربی خصوصاً آمریکا و انگلستان و دخالت‌های آشکار اسرائیل، وضعیت بهائیان به جایی رسید که به قول یکی از آنان:

«رئیس جمهور آمریکا «جانسون» مرتب به احبای ایران تبریک می‌گوید، و از طرف «دکتر براند اسکات» نامه‌ای آمده که ای احبای ایران، ما به اندازه کافی پول و ثروت برای شما باقی گذاشته‌ایم. بنابر این اگر به ما رسمیت دهند بولدار و ثروتمند خواهیم شد. خوشبختانه امروز دیگر مسلمانان زیر دست بهائیان خواهند بود. معان بانک

✽ در سند فوق به تاریخ ۱۳۴۷ که گزارشی از جلسه بهائیان شیراز می‌باشد آمده است: «دولت اسرائیل قهرمان جهان شناخته شد و ما جامعه بهائیت فعالیت این قوم عزیز! را ستایش می‌کنیم... پیشرفت ما بهائیان این است که در هر اداره یک جاسوس داریم که هفته‌ای یک بار گزارش‌های خود را به محفل‌های روحانی بهائی می‌فرستند.»

ملی اظهار داشت، تا زمانی که من در بانک ملی خدمت سعی می‌کنم که افراد مورد نیاز بانک را از احبای پذیریم. همچنین تا آن‌جایی که برایم مقدور است نسبت به کارمندان مسلمان از نظر تأمین حقوق و پرداخت مزایا و فوق‌العاده آزار و اذیت بنمایم.»

بهایت و صهیونیسم

در برخی از کشورها نظیر هند، تعداد قابل ملاحظه‌ای بهایی وجود دارد. صرف نظر از ابعاد اعتقادی و سیاسی، آنان به این امر، انقدری، در سرتاسر جهان پراکنده و در خدمت اهداف صهیونیسم و آمریکا قرار گرفته‌اند.

پیوند تشکیلاتی با صهیونیسم که هدف تسلط بر جهان را دارد، بهائیت را به صورت اهرمی برای تأمین نیازهای خود به کار گرفته است. زیرا می‌خواهد که اولاً ضرز به‌پذیری‌های اطلاعاتی در مجموعه گسترده فعالیت‌های خود- از جمله نفوذپذیری- معین معاند، ثانیاً پوشش‌های مناسب را برای به اجرا در آوردن نیات و اهداف خود در اختیار داشته باشد.

بهائیت یکی از مهم‌ترین حلقه‌های ارتباطی صهیونیسم با کلیه جریان‌های مذهبی وعموماً و اسلامی خصوصاً می‌باشد. بنابرین هر فرد بهایی در هر کشور از نظر گاه اطلاعاتی که عنصر جغرافیائی و در عین حال مطلوب برای اسرائیل به شمار می‌آید و به وسیله شبکه گسترده و قدرتمندی به دستگاه‌های اطلاعاتی صهیونیسم تسلیم می‌شود. از این رو حیات بهائیت به منزله جزئی از شبکه اطلاعاتی صهیونیسم در جهان، به حیات صهیونیسم پیوند خورده است.

بهایت پس از تأسیس اسرائیل همواره بخشی از مؤسسات آن کشور و در خدمت اهداف آن بوده است. بهائیان بنا بر دستور رهبران خود و به دلیل وجود مرکز جهانی بهائیت در اسرائیل همواره از اشغال سرزمین‌های اعراب حمایت کرده و از بیم آن که مبادا در صورت پیروزی اعراب، مرکز جهانی آنان در خاک اسرائیل از بین برود، از اسرائیل در مقابل کلیه قطعنامه‌های سازمان ملل حمایت می‌کنند.

فعالیت بهائیان به نفع اسرائیل و بر ضد مسلمانان به اندازه‌ای روشن است که

صفحه ۶ دوشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۵ ۷ رمضان ۱۴۳۷ – شماره ۲۱۳۶۶

می‌داد. جمله جمله‌اش را با بغض می‌گوید، بعد مکت می‌کند و آهسته می‌رسد:
– چرا همان وقتی که انقلاب شد، برنگشتید؟
– نمیدانم، توی غربت گیر افتاده بودم، خودم نبودم اما دیگر دلم طلاق نیاورد.
– همگی فکر کردیم که شما مردید!
صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از آن دست گریه‌ها که نمی‌دانستم برای چیست، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از آن دست گریه‌ها که نمی‌دانستم برای چیست، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

صورتش را پوشاند و گریه غریبی کرد، از این که زنده بودم؟ از این که آن همه زجر کشیده بودند؟ به‌خاطر رضا که شکنجه شده بود؟ یا به‌خاطر همسری که مطمئن شده بود، دیگر نیتسا با همگی فکر کردیم که شما مردید!

✽در سند فوق به تاریخ ۱۳۴۶ درباره کمک مالی بهائیان ایران به ارتش اشغالگر صهیونیستی آمده است: «مبلغی در حدود ۱۲۰ میلیون تومان به وسیله بهائیان ایران جمع‌آوری گردید... منظور اصلی آنها از ارسال این مبلغ کمک به ارتش اسرائیل می‌باشد. مقدار قابل ملاحظه‌ای از این پول به وسیله حبیب ثابت تعهد و پرداخت شده است.»

و در گزارش دیگری نوشت: «سپهامداران شرکت مزوم (پهسی کولا) قریب به اتفاق بهایی می‌باشند و از بدو تأسیس نمایندگی پسی کولا در شهر مکران قم مواجه به مخالفت «بیت‌الله بروجردی» گردید... پهسی کولا» ضمن گزارش خود، نمایندگی پسی کولا را در آن شهر فوق‌العاده مضر، و موجب بدبینی محافل روحانیت به اولیاء امور تشخیص داده بود.»

(سند ۲۱۱۰)
پس از بیانات و تحلیل‌ها حضرت امام (ره) درباره بهائیت و نقش آن در سیاست‌های رژیم شاه، مخالفت و ضدیت با آنان در میان مردم گسترش یافت. در گزارش مورخ ۴۳/۱۵/۱۹ سلواک آمده است:

«یکی از برنامه‌های تبلیغاتی روحانیون مخالف، مبارزه با بهائیت و افراذ بهایی بوده، که این مبارزه تا آخر ماه صفر به شدت ادامه داشت.»

(سند ۲۱۱۰۱)

مبارزه منفی برای مقابله با قدرت گرفتن بهایی‌ها، و نفوذ آنان در امور کشور به اشکال مختلف جریان داشت. برای مثال: «هدای ا بازارگان اهواز در اعتراض به یکی از کارمندان بانک صادرات و مدان اهواز که چرا در بانک «پهسی کولا» می‌نوبند، حساب بانکی خود را مسدود نموده‌اند، جریان به اطلاع سرپرست بانک می‌رسد نامبرده دستور می‌دهد که من بعد کلیه کارکن بانک حق صرف نوبشاه پهسی کولا را ندارند.»

(سند ۲۱۱۰۲)

به هر حال علی‌رغم تلاش‌ها و توطئه‌های داخلی و خارجی، بهائیان هیچ گاه نتوانستند پایگاه مردمی پیدا کنند و همیشه مورد تفرز و اذتچار بودند و به همین دلیل پس از پیروزی انقلاب اسلامی اکثر آنان با فرار از کشور به اسرائیل، آمریکا و کشورهای مورد نظر آنها مهاجرت و در آن کشورها پایگاه جاسوسی برای کشورهای حلی ایجاد کردند

– پونه! پونه جان، برو بیرون مادر، برو بیرون و بازی کن. دخترک یا به فرار گشت. و در پشت سرش بسته شد. بی‌بی ساجده سرش را تکان داد و لبخند زد.

– دختر زب‌ضاست. بچه مدت‌هاست که پدرش را ندیده‌ا! جرأت نمی‌کنم چیزی بگویم، سرم را پایین می‌اندازم، می‌ترسم از نگاهم خبر بد را بخواند.

موقع خداحافظی حاج مصطفی پیشانی‌ام را می‌پوسد: «پیرشوی بسرم، انشالله که همیشه خوش خبر باشی بابا!» چیزی درونم شکسته است، خیلی غصه دارم، پیرمرد از اول می‌دانست که رضا شهید شده و منتظر رسیدن نشانی‌اش از موقع بیرون آمدن زهره را می‌بینم که پونه را در آغوش گرفته و دستان کوچکش را در آب حوض می‌شوید. با ورود به حیاط دخترک را از زمین می‌گذارد و روبروش صاف مثل تکه سنگی در دست می‌ایستد و مات و بی‌صدا نگاه می‌کند.

– خدا را شکر که شما زنده‌اید! با تردید و خجالت می‌پرسم: – شما از شیرین خبری دارید؟

مکت کوتاهی کرد و ناگهان پرسید: «چرا برگشتید؟»

چرا برگشتم؟ خدایا این چه سوآلی است، اوصاف نیست، من این همه سال در به درم کشیده‌ام، چند سال از عمری که در این حالت نیز با توقیف و تبعید آمی و مخالفین و ایجاد محیط اختناق شرایط لازم برای اجرای نقشه‌های مزبور فراهم می‌گردید، او چه می‌داند که من چه می‌فکر کنم؟

زجر می‌کشیدم؟ خواستم بگویم به‌خاطر شیرین رفته، به‌خاطر او هم برگشتم اما سکوت کرد. صورتش را بر گرداند، – اصلاً این همه سال کجا بودید؟ می‌دانید چندتر دنبالانتا گشتمیم، ما فکر کردیم، فکر کردیم...

– که من مردم؟ بله! داشتم منزله یک مذهب به رسمیت شناخته است، به نظر می‌رسد با اجرای برنامه تحبیب از این فرقه می‌شود اقلیت بهائیان سایر کشورهای جهان- به ویژه ایران- بهره‌برداری سیاسی- اطلاعاتی و اقتصادی کرد.»

(سند ۲۱۹۲)

بهایت به مثابه ابزار کار و بهائیان به منزله عوامل اسرائیل با استفاده از تمامی امکانات ارتش و دولت در خدمت اسرائیل و بر ضد مسلمانن خصوصاً ملت ایران بود. به طوری که سران ارتش و دولت شاه سرسپرده و گوش به فرمان سازمان بهائیت و عوامل اسرائیل بودند و اعتنایی به مقامات ایران نداشتند.

متنزه یک مذهب به رسمیت شناخته است، به نظر می‌رسد با اجرای برنامه تحبیب از این فرقه می‌شود اقلیت بهائیان سایر کشورهای جهان- به ویژه ایران- بهره‌برداری سیاسی- اطلاعاتی و اقتصادی کرد.»

✽در سند فوق به تاریخ ۱۳۴۶ درباره کمک مالی بهائیان ایران به ارتش اشغالگر صهیونیستی آمده است: «مبلغی در حدود ۱۲۰ میلیون تومان به وسیله بهائیان ایران جمع‌آوری گردید... منظور اصلی آنها از ارسال این مبلغ کمک به ارتش اسرائیل می‌باشد. مقدار قابل ملاحظه‌ای از این پول به وسیله حبیب ثابت تعهد و پرداخت شده است.»

بیت‌العدل اعظم که در اسرائیل قرار دارد می‌باشند و اختیار جان و مال و ناموس خود را به دست چند نفرافراد مشکوک در حیفا سپرده و چون عروسک‌های بی‌جان مقاصد این عده را اجرا می‌نمایند... چنانچه سربعاً برای مبارزه با فعالیت‌های آنان اقدامی ننشود، این امکان هست که در آینده نزدیک گرفتاری‌های برای مملکت ایجاد نمایند.»

(سند ۲۱۹۵)
تشدید مرکزی بهائیت در شهر حیفا در کنار قبر «عباس افندی» قرار دارد. در هر نقطه‌ای از جهان که بهائیان تشکیلات و مؤسساتی دارند، زیر نظر هیئت نه نفره بیت‌العدل اعظم قرار دارد. در یکی از نشریات فرقه آمده است که:

«با نهایت افتخار و مسرت بسط و گسترش روابط بهائیت با اولیای امور دولت اسرائیل را به اطلاع بهائیان می‌رسانیم و در ملاقات با «بن گوریون» نخست‌وزیر اسرائیل احساسات صمیمانه بهائیان را برای پیشرفت دولت مزبور به او ابراز نمودند و او در جواب گفته است: «ابتدای تأسیس حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط صمیمانه با دولت اسرائیل داشته‌اند.»(۱)

پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۴۶، بهائیان علاوه بر تبلیغ به نفع اسرائیل فعالیت زیادی برای جمع‌آوری پول و خرید مایحتاج و کمک به ارتش آن کشور کردند.

«مبلغی در حدود ۱۲۰ میلیون تومان به وسیله بهائیان ایران جمع‌آوری گردید، و تصمیم دارند این مبلغ را در ظاهر به بیت‌العدل در حیفا ارسال نمایند. ولی منظور از این پول از ارسال این مبلغ کمک به ارتش اسرائیل می‌باشد. مقدار قابل ملاحظه‌ای از این پول به وسیله حبیب ثابت تعهد و پرداخت شده است.»

(سند ۲۱۹۶)

همزمان با شروع فعالیت فرقه بابی و بهایی، روحانیون با شناختی که از ماهیت این فرقه و وابستگی آن داشتند، مخالفت و مبارزه بر ضد آنان را در اشکال مختلف

^[1] بهائیان شاسفل در مناصب بالای دولتی و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به آنان با روشهای خاصی در کلیه سیاست‌گذارها و انعقاد قراردادهای اعمال نفوذ می‌کردند و با دادن هدایای زیاد به مناسبت‌های مختلف سعی در نزدیک شدن به مقامات بالای رژیم شاه را داشتند

^[2] بهائیان شاسفل در مناصب بالای دولتی و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به آنان با روشهای خاصی در کلیه سیاست‌گذارها و انعقاد قراردادهای اعمال نفوذ می‌کردند و با دادن هدایای زیاد به مناسبت‌های مختلف سعی در نزدیک شدن به مقامات بالای رژیم شاه را داشتند